

حقوق زائران بیت الله الحرام از دیدگاه قرآن و سنت

علی روشنی*

چکیده

جهت تحقیق و بررسی مسائل حقوقی حاکم بر حج قبل از معاهدات، عرف‌ها و حقوق بین‌الملل و قبل از توجه به حقوق داخلی عربستان؛ باید به بازخوانی احکام و ویژه مسجد الحرام و ظرفیت‌های تشریحات و آموزه‌های فقهی مرتبط با حج همچون حرمت قتال، امنیت حرم، اعلام برائت، صلّه از مسجد الحرام و مساوات و برابری حج گزاران پرداخت؛ آموزه‌هایی که از جانب وحی است، خطا در آن راه ندارد و مورد قبول همه مسلمانان است و بی‌شک مراجعه به این قواعد اسلامی زمینه‌ساز استیفای حقوق حج گزاران در جریان برگزاری این عبادت بزرگ خواهد شد.

کلید واژه‌ها: حقوق قرآن، سنت، امنیت، امارت حج

مقدمه

حج به عنوان یکی از مناسک بزرگ اسلامی، جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمانان دارد، همه ساله میلیون‌ها نفر از مسلمانان از سرزمین‌های دور و نزدیک برای انجام دادن مناسک حج و عمره به سوی بیت‌الله الحرام حرکت می‌کنند تا از این عبادت بزرگ

*. کارشناس حقوق خصوصی دانشگاه رضوی - سطح ۴ حوزه علمیه، aliiiroshani@gmail.com

بهره برند و جان خود را در زلال مناسک آن شست و شو دهند. تأثیرات گسترده حج، صرفاً به آثار و نتایج عبادی و معنوی آن خلاصه نمی‌شود، و در کنار آثار معنوی، کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی نیز دارد، که اهمیت آن را مضاعف می‌کند.

قرآن کریم کعبه را عامل قیام مردم و نخستین خانه مبارک برای خلق و مشعل هدایت برای جهانیان، و امیر مؤمنان علیه السلام آن را رمز اقتدار دین و علم اسلام خوانده است. آیات و روایاتی که در باب حج آمده است، برای ایجاد فضای مناسب و امن برای حج گزار، جهت انجام وظیفه دینی او تأکید دارد و خداوند متعال این مهم را در قالب ادبیات مختلف بیان داشته است، از نام گذاری مکه، انتخاب واژه ام القری، بگد امن، حرم امن و امثال آنها گرفته تا وضع احکام و تکالیف ویژه شرعی، همه بیانگر ابعاد مختلف حمایتی و عنایت ویژه خداوند به صیانت از حجاج است.

ممنوعیت جنگ و خونریزی، مقابله با عوامل تهدیدزا، ضرورت قیام حج گزار در راستای احقاق حق خویش و دیگران، امر به تعاون و همکاری در کار خیر، برخوردار شدن از حقوق مختلف همانند انجام مناسک، نقد و اعتراض، انجام عبادت، انجام اعمال و مناسک، اعلام برائت، امنیت قضایی و سایر حقوق حمایتی، جایگاه بی‌بدیل و ممتاز ضیوف الرحمن را نشان می‌دهد.

علاوه بر معاهدات، عرف‌ها و حقوق بین الملل و مضاف بر حقوق داخلی عربستان؛ بازخوانی احکام ویژه‌ای که آموزه‌های اسلامی در زمینه حرم و مسجد الحرام دارد و استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تشریحات و آموزه‌های فقهی مرتبط با آن، زمینه‌ساز استیفای حقوق حج گزاران در جریان برگزاری این عبادت بزرگ خواهد شد، در این نوشتار از جمله حقوق گسترده زائران بیت الله الحرام به هفت مورد از آنها به صورت اختصار پرداخته خواهد شد:

۱. حق تردد در مسجد الحرام

﴿وَمَا لَهُمْ آلَا يَعُدُّبُهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (انفال: ۳۴)

«آنها چه کردند که خدا عذابشان نکند؟! در صورتی که راه مسجد الحرام را (به روی بندگان خدا) می‌بندند و آنها سرپرستان (شایسته تولیت) آن نیستند، سرپرستان

آن به جز اهل تقوا نباشند، لیکن اکثر مردم آگاه نیستند.»

قرآن کریم تصریح می‌کند که کعبه، متعلق به همه مسلمانان است و هیچ گروه و فرقه‌ای نسبت به آن برتری نداشته و ندارند. اگرچه مرز بندی دولت‌ها و تقسیمات امروزی برای کشورها بنا بر اضطرار یا مصالحی پذیرفته شده است و به تبع حاکمان این دولت‌های مستقر در سرزمین‌های اسلامی، دارای برخی از صلاحیت‌های حاکمیتی نیز هستند، ولی این صلاحیت‌ها، مقید به رعایت آموزه‌های اسلامی است. بر این اساس حاکمان سرزمین حجاز که محل نزول وحی، خانه خدا و مدفن‌النبی و ام‌القرای اسلام است و در انجام مناسک و عبادات اسلامی نقش دارد، این حق را ندارند که محدودیتی برای مسلمانان در دسترسی به این اماکن ایجاد کند.

آیات قرآن محدودیت و مانع‌تراشی در دسترسی به مسجد الحرام، حرم و شهر پیامبر را به شدت محکوم و بر حق همگانی حج‌گزاری و ورود به مکه و سرزمین وحی تأکید کرده و ممانعت از آن را ناروا دانسته است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ

سَوَاءَ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (حج: ۲۵)

«کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحق عذابی دردناکند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم!»

﴿هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهُدَىٰ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ حِلَّةً﴾

(فتح: ۲۵) هم آنان بودند که کافر شدند و راه مسجد الحرام را بر شما بستند و قربانی شما را از رسیدن به محل خود (مکه) منع کردند.

﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ

وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ﴾ (بقره: ۲۱۷)

از تو، در باره جنگ در ماه حرام، می‌پرسند؛ بگو: «جنگ در آن، (گاهی) بزرگ

است؛ ولی جلوگیری از راه خدا و کفر ورزیدن به او و جلوگیری از مسجد الحرام، و اخراج ساکنان آن، نزد خداوند مهمتر از آن است؛ و فتنه از قتل بزرگتر است.

﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْآبِيَةَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ (مائده: ۹۷) «خداوند، کعبه بیت الحرام را وسیله‌ای برای استواری و سامان بخشیدن به کار مردم قرار داد»

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا﴾ (بقره: ۱۲۵)

«خانه کعبه را برای مردم محل بازگشت و اجتماع مردم و جایی امن قرار دادیم.»

﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۹۶)

«نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.»

این خانه متعلق به مسلمین است، خانه‌ای که خانه‌ی خداست و خانه‌ی مردم است «وُضِعَ لِلنَّاسِ» «جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ» «قِيَامًا لِلنَّاسِ» بیت الله است، اما برای مردم وضع شده است و بنیان نهاده شده است فلذا کسی حق ممانعت از ورود به آن را ندارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ... وَلَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَتَعُونَ فَوْضًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا... وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده: ۲)

«ای اهل ایمان، شعائر خدا را حلال شمارید... و تعرض به آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او آهنگ بیت الحرام کرده‌اند حلال ندانید... و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است.»

در عصر جاهلیت نیز برای همگان این حق وجود داشت که وارد مسجد الحرام شوند و بعد از ظهور اسلام نیز به همین منوال بود تا اینکه در سال نهم هجری این آیه شریفه نازل و به دستور پیامبر توسط حضرت امیر علیه السلام اعلام شد:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (برائت: ۲۸).

«ای اهل ایمان! جز این نیست که مشرکان پلیدند؛ پس نباید بعد از امسال به «مسجد الحرام نزدیک شوند؛ و اگر [به سبب قطع رابطه و داد و ستد با ایشان] از فقر می ترسید، خدا اگر بخواهد شما را از فضل و احسانش بی نیاز می کند؛ یقیناً خدا دانا و حکیم است.»

۲. حق امنیت

خداوند متعال در این آیه شریفه: ﴿فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ (آل: عمران: ۹۷) در جمله «و من دخله كان آمنا» دعای حضرت ابراهیم را اجابت فرمود که به خدای خود دعا کرد: ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا﴾ (بقره: ۱۲۶) «پروردگارا!، این سرزمین را شهری امن گردان.» «آمن» یعنی در امان؛ کسی که ضرر دیگری به او نرسیده است.

در بطن این جمله نوعی حالت امری وجود داشته باشد؛ به این معنا که دیگران نباید به کسی که در این مکان است متعرض بشوند و این مسأله بیانگر این مطلب است که این خانه و شهر، حرمت و کرامت خاصی دارد، چرا که فرمان امنیت خانه از شرافت این خانه نشأت گرفته است و جمله ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ در قالب ماضی استمراری، دلالت بر اهمیت تامين و پايستگي امنيت همه جانبه كسانی که وارد این حرم مقدس می شوند دارد.

حَرَمٌ در لغت به هر آنچه انسان از آن حمایت می کند و مدافع آن است، اطلاق می شود و اصطلاحاً به مکان‌های مقدسی گفته می شود که قداست و حرمت داشته و هتک آن حرام است. «حرم مکی» مهم ترین مصداق حرم است که حرمت و عظمت بالایی دارد.

* ﴿وَقَالُوا إِن نَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نَتَّخِطُّ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجِيبِي إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (قصص: ۵۷)

«و (مشركان برای معذور بودن خود در نپذیرفتن هدایت) گفتند: اگر ما همراه تو از هدایت پیروی کنیم [به وسیله مشركان قلدر عرب] از سرزمینمان [شهر مکه] ر بوده خواهیم شد! آیا ما آنان را در حرم امنی جای ندادیم که همواره هر نوع میوه و محصولی که رزقی از سوی ماست به سوی آن گردآوری می شود؟ ولی بیشتر آنان معرفت و دانش ندارند.»

در فرهنگ و اندیشه اسلامی، این حرم را حرم الهی می دانند، چراکه بر اساس آیه شریفه فوق، سرزمین مکه، ساکنان و زائران آن مورد حمایت خداوند هستند و خداوند مدافع آن و مدافع حجاج در آن است.

آیات و روایات ضمن شناسایی و توجه به حرم‌های مقدس، به‌ویژه حرم مکی، احکام و هنجارهای خاصی را در این زمینه مطرح کرده‌اند. برخی از نصوص روایی به احکامی اشاره می‌کنند که بر امنیت همه‌جانبه در این مکان مقدس تکیه و تاکید دارند:

«عن الحلبی عن ابي عبد الله قال: سألته عن قول الله عز وجل و من دخله كان آمناً قال إذا أحدث العبد في غير الحرم جنائياً ثم فر إلى الحرم لم يسع لأحد أن يأخذه في الحرم ولكن يمنع من السوق ولا يباع ولا يطعم ولا يسقى ولا يكلم فإنه إذا فعل ذلك به يوشك أن يخرج فيؤخذ وإذا جنى في الحرم جنائياً أقيم عليه الحد في الحرم لأنه لم يدع للحرم حرمة» (الكافي، كليني، محمد بن يعقوب، ج ۴، ص ۲۲۶)

«حلبی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد آیه (وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا) پرسیدم. ایشان جواب دادند: اگر کسی در غیر حرم، جنایتی انجام دهد و سپس به حرم فرار کند، هیچ کس حق ندارد او را در حرم بگیرد؛ ولی مانع وارد شدن وی در بازار شده و کسی با او معامله نمی‌کند. طعام و آب از او بریده می‌شود و کسی با او سخن نمی‌گوید. چون چنین رفتاری با او انجام شود، از حرم خارج می‌گردد و در نتیجه بازداشت می‌شود. ولی اگر شخصی در حرم مرتکب جنایت شود، در همانجا حد بر او جاری می‌شود؛ چون برای حرم الهی احترامی قائل نشده است.»

حرمت و احترامات ویژه‌ای که برای حرم در نظر گرفته شده است موجب آن شده تا در شریعت اسلام، ارتکاب قتل داخل در محدوده حرم، از اسباب تغلیظ در دیه قرار گیرد و چنانچه رفتار مرتکب و فوت مجنی علیه هر دو در حرم مکه اتفاق بیافتد، علاوه بر دیه کامل، یک سوم دیه نیز به اولیای مقتول پرداخت شود. (مواد ۵۵۵ و ۳۸۵ قانون مجازات اسلامی)

این امنیت به انسان‌ها اختصاص نداشته و بر امنیت و ممنوعیت تعدی به حیوانات وارد شده به این حرم نیز توجه دارد:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بِالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامٍ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَاماً لِيَدُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ

وَاللّٰهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾ (مائده: ٩٥)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حال احرام شکار نکنید، و هر کس از شما عمداً آن را به قتل برساند، باید کفاره‌ای معادل آن از چهارپایان بدهد؛ کفاره‌ای که دو نفر عادل از شما، معادل بودن آن را تصدیق کنند؛ و به صورت قربانی به (حریم) کعبه برسد؛ یا (به جای قربانی) اطعام مستمندان کند؛ یا معادل آن روزه بگیرد، تا کیفر کار خود را بچشد خداوند گذشته را عفو کرده ولی هر کس تکرار کند، خدا از او انتقام می‌گیرد و خداوند، توانا و صاحب انتقام است.»

در این گزاره قرآنی ضمن تشریح حرمت صید، در صورت ارتکاب، مرتکب به پرداخت کفاره ملزم می‌شود، اهمیت این آموزه و حرمت آن، آن‌چنان زیاد است که خداوند متعال با گزاره ﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ﴾، به تکرار دوباره آن هشدار داده و به مرتکب دوباره آن وعید انتقام الهی را می‌دهد برخی از مفسرین، تأکید می‌کنند که این گناه، از گناهان کبیره است و لازمه این حکم آن است که امنیت، حتی برای حیوانات هم باید تأمین شود.

در نصوص روایی نیز اینگونه آمده است:

* «وَمَنْ دَخَلَهُ مِنَ الْوَحْشِ وَالطَّيْرِ كَانَ آمِنًا مِنْ أَنْ يُهَاجَ أَوْ يُؤْذَى حَتَّى يُخْرَجَ مِنَ الْحَرَمِ» (الکافی، ج ٤، ص ٢٦٦)

«پرنده‌گان و حیوانات وحشی‌ای که داخل در حرم می‌شوند، از اذیت شدن و پراندن در امان هستند تا وقتی که از حرم بیرون روند.»

* «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَا تَسْتَحِلَّنَّ شَيْئًا مِنَ الصَّيْدِ وَأَنْتَ حَرَامٌ وَلَا وَأَنْتَ حَلَالٌ فِي الْحَرَمِ وَلَا تَدْلَنَّ عَلَيْهِ مُحَلًّا وَلَا مُحْرَمًا فَيَصْطَادُوهُ وَلَا تُشِرْ إِلَيْهِ فَيَسْتَحِلَّ مِنْ أَجْلِكَ فَإِنَّ فِيهِ فِدَاءً لِمَنْ تَعَمَّدَهُ». (کلینی، ج ٤، ص ٣٨١، ١٤٠٧ق)

«امام صادق علیه السلام فرمود: در حال احرام و غیر احرام، در حرم شکار کردن را حلال مشمار؛ حتی راهنمای صید هم در حال احرام و غیر آن نشو که با راهنمایی تو، اقدام به صید کنند؛ چنانچه حتی اشاره کردن و مشخص کردن محل صید نیز نارواست و جریمه دارد. فقها نیز صید در حرم را در حال احرام و غیر احرام، حرام

دانسته اند، مرحوم صاحب جواهر تأکید می کند که نه تنها صید، بلکه خوردن آن و کوچک ترین همکاری و نقش داشتن در صید نیز حرام است.» (نجفی محمد حسن، جواهرالکلام ج ۱۸، ص ۲۸۶)

این آموزه اسلامی و شناسایی و تأکید بر آن در گزاره های قرآنی و روایی، و تراث فقهی و تفسیری دانشمندان مسلمان که بر امنیت مطلق در حرم دلالت دارد و حتی پرندگان و حیوانات را هم شامل می شود، علاوه بر شناسایی و اعتباربخشی به موقعیت حرم، ظرفیت بسیار بالایی برای شناسایی و حمایت از حقوق حاجیان و حج گزاران و حتی مسافران این سرزمین از حیث دارا بودن حق امنیت ایجاد می کند.

۳. حق انجام مناسک و عبادات

در حقیقت هدف از ایجاد امنیت و جعل تمام احکام و تکالیف ویژه در حرم، همگی در جهت تحقق بندگی و عبودیت و تقرب جستن به خداوند است که اگر حاصل نشود تمام امور حج لغو و بیهوده می گردد؛ یعنی باید فریضه حج به گونه ای جریان یابد که این مراسم جلوه گاه بندگی و عبودیت حضرت حق باشد فلذا هر عملی در محدوده حرم که این حقیقت را تحت الشعاع قرار دهد ممنوع و غیر مجاز است برای مثال پررنگ کردن فضاهای تجاری یا پروبال دادن به فضاهای تفریحی در محدوده حرم که محل انجام مناسک و عبادات باشد یا به نحوی هدف حج را تحت تأثیر قرار دهد و به حاشیه براند قطعا مورد رضایت خداوند متعال نیست و متولیان حج در جهت احقاق این حق موظفند به گونه ای عمل کنند که زائرین بیت الله الحرام بدون هیچ دل مشغولی و پراکندگی ذهنی بتوانند کمال بهره عبادی ازین فریضه الهی را ببرند زیرا نیاز و گمشده امروز بشر عبودیت است و اگر مسافرن خانه خدا قصد و انگیزه ای غیر ازین میداشتند به مکانهایی دیگر سفر می کردند.

خدای سبحان در تعبیری ویژه درباره حج فرمود:

﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا﴾ (آل عمران: ۹۷)

«همان گونه که حج برای خدا و وجوب آن از طرف اوست، انجام آن نیز باید «لله»

باشد، پس اگر کسی به قصد سیاحت، تجارت و مانند آن، اراده حج کرد، چنین حجی که سیر إلى الله نیست سرّی ندارد.»

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ... وَلَا آمِنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا ﴿مائده: ۲﴾.

«ای اهل ایمان، شعائر خدا را حلال مشمارید... و تعرض به آنها را که به قصد خانه خدا برای به دست آوردن فضل پروردگار و خشنودی او آهنگ بیت الحرام کرده‌اند حلال ندانید. طبق این آیه انگیزه حجاج از زیارت خانه بیت الله، به دست آوردن فضل خداوند در دنیا و رضایت و خشنودی او در آخرت است.»

امام صادق علیه السلام فرمود: بدان که خداوند حج را واجب نفرمود... و در خلال مناسک، سنتی از برای پیغمبرش تشریح نکرد، مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و قبر و بعث و قیامت که این همه از آغاز تا انجام اشارتی است برای عاقلان و خردمندان» (بحار، ج ۹۶، ص ۱۲۴) چنانکه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که به هنگام لبیک گفتن، به خدا عرض کرد: خدایا! من با رقیّت و عبودیت محض لبیک می گویم: «اللبیک بحجّة حقّاً تعبدّاً ورقّاً» (محبّة البیضاء، ج ۲، ص ۱۹۷)

۴. حق برابری و مساوات همه جانبه در حرم

* إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿حج: ۲۵﴾

«کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می کنند یا از نقاط دور وارد می شوند (مستحقّ عذابی دردناکند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می چشائیم!»

اگرچه در این گزاره قرآنی، تعبیر به «الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» شده و مرجع ضمیر (فیه) در فقره ﴿سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾ علی الظاهر مسجد الحرام برمی گردد، ولی مراد از مسجد الحرام، کل حرم و همه گستره جغرافیایی حرم است؛ چرا که واژه عاکف در این گزاره قرآنی به معنای مقیم و ساکن است و واضح است که در حرم، مقیم بودن معنا

ندارد، بلکه مقیم شهر مکه هستند؛ چنانچه تعبیر به مسجد الحرام کردن و اراده شهر مکه و حرم در ادبیات قرآن نیز سابقه دارد با نظر به اینکه خداوند متعال در آیه شریفه:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ (اسراء: ۱)
 «مسجد الحرام را مبدأ سیر پیامبر ﷺ ذکر کرده، ولی مرادش مکه بوده است.» (فخر رازی، مفتاح الغیب ج ۲۳، ص ۲۱۷).

این آیه شریفه بر مساوات و برابری همه جانبه همه اشخاص در حرم تأکید می کند. برخی با استناد به همین آیه قرآن، به ویژه فقره ﴿جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ﴾ اینگونه گفته اند: در بین مسلمانان پذیرفته شده است که مردم در ادای مناسک در مسجد الحرام و غیر آن برابری مگر رویه‌ای در پیش گیرند که از نظر شریعت اسلامی نادرست است. (ابن عاشور، ج ۱۷، ص ۱۷۲)؛ به عبارت دیگر «جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» یعنی از آن جهت که خانه متعلق به همه مردم است اهل مکه و غیر اهل مکه تفاوتی ندارند؛ اینجا مال همه است، نباید کسانی خیال کنند که این سرزمین مال آنهاست و حق دارند طبق خواست خودشان در آنجا رفتار کنند؛ نسبت به کعبه شریف و مسجد الحرام همه‌ی مسلمانها حق یکسانی دارند. (خامنه‌ای (سید علی)، دیدار با کارگزاران حج ۱۳۹۷/۰۴/۲۵)

در تفسیر آیه فوق مفسران بیانات گوناگونی دارند؛ بعضی معنی وسیع تری برای این جمله قائل شده‌اند و گفته‌اند، نه تنها در مراسم عبادت، مردم یکسان‌اند، بلکه در استفاده کردن از زمین و خانه‌های اطراف مکه برای استراحت و سایر نیازهای خود نیز باید مساوات باشد؛ به همین دلیل جمعی از فقها، خرید و فروش و اجاره خانه‌های مکه را تحریم کرده‌اند و آیه فوق را شاهد بر آن می‌دانند.

برخی از روایات، این گزاره قرآنی را تفسیر کرده و به نکاتی اشاره می‌کنند که بایسته توجه است. در روایتی از امام صادق علیه السلام از پدرش امام باقر علیه السلام از امام علی علیه السلام نقل شده است:

* «أَنَّ نَبِيَّ أَهْلِ مَكَّةَ أَنْ يُؤَاخِرُوا دُورَهُمْ وَأَنْ يُعَلِّقُوا عَلَيْهَا أَبْوَابًا وَقَالَ ﴿سَوَاءً

الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» قَالَ وَفَعَلَ ذَلِكَ أَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَعُثْمَانُ وَعَلِيٌّ حَتَّى كَانَ فِي زَمَنِ مُعَاوِيَةَ» (وسائل الشيعه، ج ۱۳، ص ۲۶۹)

«امام علی از اینکه اهل مکه خانه‌های خود را اجاره دهند و برای آن در قرار دهند، نهی کرده و فرمودند: در آن مقیم و مسافر برابر است. امام یادآوری می‌کند که این نهی در زمان ابوبکر، عمر، عثمان و مولا علی علیه السلام تا زمان معاویه برقرار بوده است.»
روایتی دیگر نیز همسو با این حدیث، گذشته از تفسیر آیه، به نوعی گزارش تاریخی نیز هست:

* «سُئِلَ الصَّادِقُ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» فَقَالَ لَمْ يَكُنْ يَنْبَغِي أَنْ يَضَعَ عَلَيَّ دُورَ مَكَّةَ أَبَوَابٌ لِأَنَّ لِلْحَاجِّ أَنْ يَنْزِلُوا مَعَهُمْ فِي دُورِهِمْ فِي سَاحَةِ الدَّارِ حَتَّى يَقْضُوا مَنَاسِكَهُمْ وَإِنْ أَوَّلَ مَنْ جَعَلَ لِدُورِ مَكَّةَ أَبَوَاباً مُعَاوِيَةَ» (وسائل الشيعه، ج ۱۳، ص ۲۸۶)

«از امام صادق علیه السلام در مورد تفسیر گزاره «سَوَاءٌ الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ» پرسیده شد. ایشان فرمودند سزاوار نیست برای خانه‌های مکه در گذاشته شود؛ زیرا این از حقوق حجاج است که در خانه‌های ایشان تا پایان حج اقامت کنند معاویه اولین کسی بود که برای خانه‌های مکه درب گذاشت.»

بر این اساس بدون شک سزاوار است اهل مکه، هرگونه تسهیلاتی برای زوار خانه خدا قائل شوند و هیچ‌گونه اولویت و امتیازی برای خود نسبت به آنها، حتی در خانه‌ها قائل نشوند. این معنی نیز مسلم است که هیچ کس حق ندارد به عنوان متولی خانه خدا یا عنوان دیگر، کمترین مزاحمتی برای زائر این خانه ایجاد کند یا آن را به یک پایگاه اختصاصی برای تبلیغات و برنامه‌های خود تبدیل نماید. (ناصر مکارم شیرازی، نمونه، ج ۱۴، ص ۶۲)

برایند حداقلی این فهم از گزاره قرآنی این است که در اجرای مراسم و مناسک حج، فرقی بین شهروندان دولت عربستان و دیگر مسلمانان نیست؛ چنانچه دولت عربستان ملزم است که موجبات دسترسی دیگر مسلمانان را به اماکن مقدس حرم به جهت انجام مناسک حج فراهم آورده و در این زمینه کارشکنی نکند.

در مجموع به نظر میرسد اهل مکه بودن و نبودن موضوعیتی نداشته و آیه شریفه هر نوع تفاوت و نابرابری را الغاء نموده است منظور این است که همه مردم در مراسم عبادت در این کانون توحید یکسان‌اند، سفید و سیاه، صغیر و کبیر، زن و مرد، عرب و عجم، پیاده و سواره، شهری و بیابانی، بومی و غیر بومی هیچ کس حق مزاحمت به دیگری در امر حج و عبادت در کنار خانه خدا را ندارد.

۵. حق برائت از مشرکان و احیاء شعائر

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (مائده: ۲)

«ای اهل ایمان، شعائر خدا را حلال مشمارید... و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری. و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است.»
احیای شعائر اسلامی و عمل بر اساس آن‌ها، تعاون در کارهای نیک و مقابله با اعمال ستمگرانه و ظالمانه از دیگر حقوق حجاج از منظر قرآن کریم است.
مراسم برائت از مشرکان نیز که در مراسم حج انجام می‌شود؛ از جمله سنت‌ها و شعائر الهی است که قرآن کریم در مقام نقل سخن حضرت ابراهیم با آذر و گروه بت پرست چنین می‌گوید:

﴿وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ﴾

«و آنگاه که ابراهیم به پدر خود و قومش گفت من از آنچه شما پرستش می‌کنید بیزارم» سپس خداوند مؤمنان را به تأسی جستن به ابراهیم و همراهانش فرا خوانده و می‌فرماید:

﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمِ هُمُ إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّىٰ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾ (ممتحنه: ۴)

«برای شما در ابراهیم و یارانش سرمشق نیکویی است آنگاه که به قومشان گفتند ما از آنچه جز خدا میپرستید بیزاریم، نسبت به شما کافریم و میان ما و شما دشمنی و کینه پدید آمده تا به خدای یگانه ایمان آورید...».

حضرت ابراهیم بانی کعبه و حج و پیامبری که آیین حنیف او اساس و معیار در آیین اسلام است، در مسأله برائت اسوه و سرمشق قرار گرفته و این برائت تا بدانجا پیش می‌رود که به صورت کینه‌ای آشتی ناپذیر نسبت به مشرکان درمی‌آید تا هنگامی که آنان به صراط مستقیم توحید بازگردند. آیه شریفه: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (حج: ۲۷)، فراخوان بزرگ حضرت ابراهیم بود برای اذان و اعلام رسول‌الله ﴿وَ أَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ رَسُولُهُ﴾ (توبه: ۳) «و اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش بیزار از مشرکین هستند»

برائت از مشرکین از سنت‌های الهی است که پیامبر خدا به فرمان وحی، آن را به جای آورده و حضرت علی علیه السلام را مأمور اعلان تبری از مشرکان کرد تا مرز توحید را از طغیان و شرک جدا کند و به پیروان خود نیز توصیه کرد که ﴿خُذُوا عَنِّي مَنَاسِكَكُمْ﴾ (مجلسی، ج ۴، ص ۳۴۰). این سنت البته قبل از پیامبر اسلام نیز پیوسته از سوی انبیای الهی مورد اهتمام بوده، در همین راستا، در آیات متعددی از قرآن کریم (انعام: ۷؛ نساء: ۴۱۶؛ انعام: ۱۰۶؛ توبه: ۱ و ۳۶) به برائت از شرک و مشرکان از سوی انبیای الهی تأکید شده است.

اساساً می‌توان فلسفه حج و تمام تلاش‌های حضرت ابراهیم در جهت بت شکنی‌ها و مبارزات با نمرودیان و بت پرستان، و هجرت‌ها و تحمل سختی‌ها در وادی لم یزرع و فدیه کردن اسماعیل را مقدمه و زمینه‌ای دانست تا ریشه کفر و شرک مضمحل شود و نبی خاتم صلی الله علیه و آله به تمام جهانیان ابلاغ کند که ﴿يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ﴾ (انعام: ۱۹) بر این اساس مراسم حج و خانه توحید شایسته‌ترین زمان و مکان برای ابراز تنفر از طاغوت‌های زمان و شرک و بت پرستی و مخالفان اسلام است. لذا خداوند متعال انسان‌های آزاده را بر این امر دعوت نمود تا در روز حج اکبر؛ و روزی که تمام زائران بیت‌الله الحرام حضور دارند، از مشرکان؛ ملحدان و تمام مظاهر شرک اعلام برائت کنند و انزجار و نفرت خود را از طاغوت‌ها و ظالمان جهان بیان دارند.

۶. حق بهداشت و سلامت

بهداشت در آموزه‌های قرآن و اسلام، از اهمیت و ارزش والایی برخوردار است و مسئله طهارت بدن و روح و روان، از مهم‌ترین اهداف آموزه‌های آن شمرده می‌شود. در فرآیند برگزاری حج نیز موضوع بهداشت و سلامت حجاج همواره مورد توجه بوده است. امام رضا علیه السلام در تفسیر آیه **﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾** (حج: ۲۹) فرموده اند: **«التَّفَثُ تَقْلِيمُ الْأَطْفَارِ وَ طَرْحُ الْوَسَخِ عَنْكَ»** (وسائل الشیعه، باب ۱، ابواب الطواف، روایت ۱۳) مقصود خداوند از این جمله در آیه، گرفتن ناخن‌ها و دور کردن چرک‌ها از خود است و در ادامه آیه می‌فرماید: پس از برطرف کردن آلودگی‌ها، طواف حج را انجام دهند **﴿وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾** (بقره: ۱۲۵) خطاب به ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام می‌فرماید: **﴿أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ﴾** (حج: ۲۶) خطاب به حضرت ابراهیم علیه السلام فرموده است **﴿وَطَهَّرْ بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ﴾** این دو آیه شریفه، از سویی مربوط به تطهیر بیت‌الله از آلودگی معنوی و شرک است و از سوی دیگر مربوط است به تطهیر و نظافت ظاهری بیت، چنانکه امام صادق علیه السلام در تفسیر همین آیه فرمودند: **«وَيَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ لَا يَدْخُلَ إِلَّا وَهُوَ طَاهِرٌ قَدْ غَسَلَ عَنْهُ الْعَرَقَ وَالْأَذَى وَ تَطَهَّرَ»** سزاوار است برای بنده خدا که داخل این خانه نشود مگر در حالی که پاک باشد و خود را از عرق و آنچه سبب اذیت دیگران است شستشو داده باشد. از این روایت فهمیده می‌شود یکی از حقوق حجاج برخوردار از بهداشت و انجام حج در سلامت کامل است؛ یعنی امر بهداشت و رعایت نظافت از یک طرف بر مسلمین و زائران تکلیف شده است و از طرف دیگر به صورت عام و فراگیر متولیان امور حج مأمور به تنظیف و تطهیر بیت‌الله الحرام شده‌اند تا هم فضایی پاک و سالم برای عبادت مهیا شود و هم سلامت زائرین در مخاطره قرار نگیرد.

۷. حق داشتن والی حج

فراهم کردن زمینه استیفاء این حقوق و مسئول رسیدگی به احقاق آنها در منابع اسلامی بر عهده رهبری است که به او امیرالحاج می‌گویند به عبارت دیگر در حقیقت

این حق، ضمانت اجرای سایر حقوق حجاج است، ولایت بر حج وظیفه «امام مسلمین» است و اگر خودش در موسم حج حاضر نشد، لازم است فردی را به این مسؤولیت بگمارد؛ چنانکه پیامبر خدا ﷺ در سال نهم هجرت، علی رضی الله عنه را متولی این امر قرار داد. والی حج باید شخصی دارای عدالت و فقاہت در مسائل حج، شجاع، مطاع، صاحب رأی واجد صلاحیت راهبری مردم و دارای کفایت باشد. زمان ولایت امیرالحاج بر اداره اجرائی حج قبل از فرا رسیدن موسم حج از آغاز حرکت و آهنگ زائران به سوی مکه تا بازگشت به وطن است و وظایف او ازین قرار است:

۱. ایجاد انسجام در حجاج، باید آنان را در حرکت و توقف، جمع کند و جلوی پراکنده شدنشان را برای در امان ماندن از دزد زدگی بگیرد (الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۴۹۸).

۲. تعیین راهنما برای هر گروه، باید برای هر طایفه راهنمایی تعیین کند تا از گم شدن حجاج جلوگیری کند و آن‌ها را هدایت کند.

۳. مراعات حال ضعفا، باید در حرکت کردن ملاحظه حال ضعیفترین حجاج را بنماید.

۴. انتخاب بهترین راه، امیرالحاج وظیفه دارد در صورت اختیار حجاج را از شاهراه آباد و آسان ببرد و از جاده خشک و سنگلاخ پرهیزد.

۵. تهیه تدارکات سفر، به این معنا که آب و آذوقه برای زائران و چهارپایان همراه داشته باشد.

۶. تأمین امنیت سفر، نگاهبانی و محافظت قافله در توقفگاه‌ها از حمله راهزنان و دزدان قافله، مراقبت از جان و مال و ناموس حجاج، بر اساس این وظیفه، بر امیرالحاج لازم است در طول سفر امنیت حجاج را تأمین کند، هر چند با استخدام نگاهبان، که برای تأمین هزینه‌های آن می‌تواند از حجاج درخواست کمک مالی زیرا اگر ایمن بودن از خطرات سفر حج، منوط به اجیر کردن نگاهبان یا پرداخت مبلغی به دشمن باشد، در صورت توانایی مالی واجب است زائر بیت‌الله الحرام آن را بپردازد.

در زمان حاضر و با تغییر وضع مسافرت به نظر می‌رسد امیرالحاج موظف است خدمات حمل و نقل زائرین در این سفر مقدس را از طرق زمینی، دریایی و هوایی

به گونه‌ای فراهم کند که به وفور و به راحتی در دسترس همگان باشد و با کمترین هزینه بتوانند از فیض این عبادت بهره مند شوند.

۷. حل اختلاف زائران، اگر امیرالحاج صلاحیت قضاوت و صدور حکم داشته باشد، در نزاع‌ها و اختلاف‌های میان حجاج به داوری می‌پردازد، در غیر این صورت به اهلش می‌سپارد.

۸. مجازات متخلفان، تادیب مجرم با اجرای حد و تعزیر اگر به او محول شده باشد.
۹. ایجاد فرصت کافی برای اعمال و مناسک، یکی در مواقیت که فرصت کافی برای ادای فرایض و سنن داشته باشند دیگر، بعد از وقوف و بازگشت به مکه است و سوم، بردن حجاجان به مدینه و تأمین فرصت کافی برای زیارت پیامبر خدا و ائمه هدی و وداع و دعا است.

زمان ولایت امیرالحاج بر اقامه شرعی حج از ظهر روز هفتم ذی الحججه تا روز سیزدهم این ماه و پایان مناسک حج است؛ اما آموزش حجاج و آماده کردن آنان برای انجام مناسک حج و نیز ادای مستحبات ایجاب می‌کند که پیش از آغاز سفر حج نیز دارای مسئولیت باشد. در اقامه مناسک شرعی حج اموری بر عهده امیرالحاج است که به ترتیب ذیل مطرح می‌شود:

۱. اعلام وقت احرام و کیفیت آن، اعلام کردن وقت، مکان و کیفیت احرام و سایر مناسک.

۲. ایراد خطبه‌های چهارگانه، احکام مربوط به احرام و مکان احرام و کیفیت آن و نیز افعال و مناسک حج، در این خطبه‌ها به حجاج گفته می‌شود. زمان ایراد این خطبه‌ها عبارت اند از: خطبه اول، بعد از نماز روز هفتم ذی الحججه و بعد از احرام؛ خطبه دوم، قبل از نماز ظهر روز عرفه در عرفات؛ خطبه سوم، ظهر روز دهم در منا؛ خطبه چهارم، بعد از نماز ظهر روز دوازدهم ذیحجه در منا.

۳. پیشتازی در انجام مناسک و رعایت ترتیب آنها، رفتن به منا پیش از همه، برای اقامه نماز ظهر و عصر و یوم الترویبه (روز هشتم ذیحجه) و ماندن در آنجا، تا هنگام طلوع خورشید روز نهم و نیز ماندن در مزدلفه تا طلوع خورشید؛ رفتن به مکه در روز عید، پیش از همه و بازگشت به منا تا ظهر برای اقامه نماز ظهر و

عصر با حجاج در این سرزمین ماندن در منا تا روز سیزدهم و ترک منا بعد از حجاج و اقامه نماز ظهر و عصر در روز سیزدهم
۴. اقامه نماز یوم الترویة در منا، مشهور فقهای امامیه، این وظیفه امام را مستحب می‌دانند.

۵. ماندن در منا تا طلوع آفتاب روز عرفه، فقهای امامیه، ماندن امیرالحاج در منا تا طلوع آفتاب روز عرفه را مستحب دانسته

۶. حرکت از مشعر به منا بعد از طلوع آفتاب، «استحباب خروج از مشعر به قصد منا، بعد از طلوع آفتاب روز دهم» است.

۷. رفتن به مکه بعد از اعمال روز عید و بازگشت به منا برای اقامه نماز ظهر و عصر

۸. ماندن در منا تا روز سیزدهم و ترک منا بعد از خروج حجاج

۹. اقامه نماز ظهر و عصر در مکه، در روز سیزدهم، استدلال علامه براین وظیفه امام «آموزش کیفیت وداع مکه و طواف خانه خدا به مردم» است «لیعلم الناس کیفیة الوداع» (تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۷۵) ۱۰. فرمان به اهالی مکه برای تشبه به حجاج، «استحباب به تن داشتن لباس احرام پس از قربانی کردن در روز عید و حلق تا پیش از طواف زیارت در مکه» است تا همگان بر حسب ظاهر هم که شده، مثل محرم باشند (تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۴۷).

۱۰. امامت جماعت در نمازهای روزانه

۱۱. «امر به معروف و نهی از منکر» وظیفه دیگر امیرالحاج امر به معروف و نهی از منکر به خصوص در امور مربوط به مناسک و کفارات حج است.

۱۲. «واداشتن مردم به انجام حج و زیارت حرم نبوی «یکی دیگر از وظایف و اختیارات امام آن است که: اگر مردم انجام حج و زیارت بیت‌الله الحرام و حرم نبوی را ترک کردند، در صدد یافتن علل و عوامل آن برآید و در جهت برطرف کردن موانع آن بکوشد؛ مثلاً اگر مردم به دلیل مشکلات مالی، این فریضه الهی را ترک کردند، از بیت المال به آنان پردازد تا به سفر حج رفته و اقامه حج نمایند و در صورت لزوم، مردم را به آن وادار کند. افزون بر وادار کردن مردم به زیارت خانه خدا و حرم نبوی، از واداشتن آنان به اقامت در مکه و مدینه از سوی امام نیز سخن گفته شده است. گویا حرمین شریفین نباید از مردم

مسلمان خالی باشد و باید برای اقامت در این دو شهر تشویق شوند و جاذبه‌های لازم برای حضور و اقامت مردم ایجاد گردد. گرچه جاذبه‌های معنوی و دینی و تاریخی مکه مکرمه و مدینه منوره، این دو شهر امن الهی به قدری است که اگر مردم برای اقامت دائم یا موقت در آنها آزاد باشند، حتماً علاقمندان و شیفتگان را گنجایش نخواهد بود و نیازی به نقش آفرینی حاکم مسلمانان در این زمینه نیست.

در مقابل نیز حجاج موظف به پیروی از امیرالحاج در آنچه بدان فرامی‌خواند و امر می‌کند هستند، جلو افتادن از او در مواردی که پیروی شایسته است و عقب ماندن از او در مواردی که همراهی شایسته است مکروه است و در مواردی که امیرالحاج از انجام عملی یا ترک عملی نهی کرده باشد، سرپیچی از نهی او حرام است.

نتیجه گیری

احقاق حقوق متعدد زوار بیت‌الله الحرام صرفاً از طریق زعامت نهادی تحت عنوان امارت حج امکان پذیر است و از اختیارات و وظایف مدیریتی امیرالحاج در تاریخ اسلام برمی‌آید که امارت حج با وحدت امت اسلامی و یگانگی دولت اسلامی عجین است. به این معنا که شخص امام مسلمانان، امارت حج را بر عهده می‌گیرد یا فردی را برای این مسؤولیت می‌گمارد. امروزه که امت اسلامی تحت حاکمیت دولت‌های گوناگون به سر می‌برند، هر کشوری، سرپرستی را برای حجاج اعزامی خود تعیین کرده و «بعثه» ای را در شهرهای مکه و مدینه در موسم حج برپا می‌کند و نماینده‌ای برای انجام امور مربوط به حجاج اعزامی خود می‌فرستد و به حسب ظاهر ارتباط و هماهنگی میان آنها هم وجود ندارد.

باتوجه به تشریحات حقوقی حج در قرآن و سنت به نظر می‌رسد تا تشکیل جامعه واحد اسلامی که امت اسلام را تحت پوشش قرار دهد، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی حج از سوی مرکزی متشکل از نخبگان سایر دول اسلامی در جهت وحدت امت اسلام و رسیدگی به مشکلات و مصائب جهان اسلام و احقاق حقوق حجاج در میان

کشاکش قدرتها و فجایعی چون فاجعه منا؛ مؤثر و موجب رشد و پیشرفت مسلمانان خواهد بود که در پرتو فرصت گرانقدر حج، دستیابی به آرمان‌های امت اسلامی را میسر و امکان پذیر خواهد کرد.

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد طاهر بن محمد، التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسة التاريخ.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴ق، وسائل الشیعة، ج ۱، قم، آل البيت علیهم السلام.
۳. حسینی واسطی زبیدی، سید محمد مرتضی، ۱۴۱۴ق. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۴. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکرة الفقهاء، ج ۸، نشر موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۵. شهید اول، محمد بن مکی عاملی، ۷۶۰ق، الدروس الشرعية، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۸۳ق، محجة البيضاء، نشر جامعه مدرسین.
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ق، الکافی، ج ۴، تهران، اسلامیه.
۹. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳ق، المقنعة، ج ۱، قم، اسلامیه.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر (آیت الله)، ۱۳۷۴ش. تفسیر نمونه، ج ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۱. نجفی، محمد حسن، ۱۴۰۴ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۷، بیروت، دار احیاء التراث العربی.